

برخی موانع تاریخی توسعه در ایران (زمان قاجارها)

مرتضی دهقان نژاد

عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

چکیده مطالب

توسعه اقتصادی از مهمترین مباحث مطرح شده در روزگار کنونی است، و بیشتر افرادی که به پژوهش مشغول هستند، متناسب با زمینه‌های مطالعاتی خود به ارائه رهنمودهایی پرداخته‌اند. این گفتار نیز بر آن است که: نمی‌توان هیچ الگوی اقتصادی و یا تغییر اجتماعی را اجرا کرد، مگر اینکه ابتدا زمینه‌های پذیرش اجتماعی آن فراهم آمده باشد.

برای شناخت این زمینه‌ها مطالعه تاریخی امری ضروری است، زیرا فراوان مشاهده شده که تفاوت‌های تاریخی ملتها سبب گردیده است طرحی که در سرزمینی موفقیت فراوان داشته، در جای دیگر با شکست روبرو شود.

به لحاظی پژوهش حاضر گامی است کوچک در راستای روشن شدن برخی مسائیل و مواردی که در گذشته در مسیر توسعه کشور به نوعی مانع ایجاد نموده‌اند و با این امید که با شناخت آنها، بتوان از تکرارشان جلوگیری کرد.

اساس بحث به عنوان نمونه بر مطالعه دوران حکومت قاجارها نهاده شده است، در این دوره شاهد نخستین رویارویی جدی ایران با دنیای تحول یافته‌ای هستیم که کشورهای پیشرفته آن در جستجوی حوضه‌های نفوذ جدید، مرزهای سیاسی و جغرافیایی ایران آن زمان را درنوردیدند و منشاء تأثیراتی شدند که در این مقاله به برخی از تأثیرات منفی آن اشاره می‌شود.

این مقاله موانع توسعه اقتصادی این دوره را به دو دسته، موانع داخلی و خارجی تقسیم نموده است، سپس در زیر مجموعه هر دسته، مواردی را که ضرورت پرداختن به صورت جزئی‌تر و دقیق‌تر ایجاد می‌نمود، همرا با ذکر یکی دو نمونه ارائه داده است. برای رعایت ایجاز و اختصار، کوشش شده است از موارد بسیار دیگر، که در تاریخ این دوره شرح و بسط فراوانی را می‌طلبید به اشاره بگذرد و خواننده خود از این مجمل حدیث مفصل را دریابد.

... نمی دانم این قدرتی که شما (اروپایی‌ها) را بر ما مسلط کرده چیست و موجب ضعف ما و ترقی شما چه؟ شما در قشون، جنگیدن و فتح کردن و بکار بردن تمام قوای عقلیه متبحرید و حال آنکه ما در جهل و شغب غوطه‌ور و بندرت آتیه را در نظر می‌گیریم، مگر جمعیت و حاصلخیزی و ثروت مشرق زمین از اروپا کمتر است. یا خدایی که مراحمش بر جمیع ذرات عالم یکسان است خواسته شما را بر ما برتری دهد؟

گمان نمی‌کنم، اجنبی حرف بزن. بگو چه باید بکنم که ایرانیان را هشیار نمایم؟

عباس میرزا به سال ۱۸۰۶ م / ۱۲۲۱ هـ ق

۱۳/۲۰۷

x توجه: عدد سمت چپ، کد کتاب و عدد سمت راست شماره صفحه است.

بخش اول موانع داخلی

الف - حاکمیت سیاسی

آغامحمدخان با قدرت «تدبیر» و «زور شمشیر» و به لحاظ خلأ یک قدرت سیاسی و نیاز جامعه به امنیت و حکومتی مقتدر، توانست قدرت را در ایران قبضه کند. با استقرار قاجارها (در ایران) جهان نیز دچار تحولاتی بنیادی گردیده بود. بدین معنی که: اختراع ماشین چاپ، اکتشاف امریکا، دسترسی به هندوستان از طریق آفریقا، امکان توسعه فعالیتهای اقتصادی و علاقمندی به مال و ثروت را فراهم تر ساخت.

کشف سرزمینهای جدید و معادن فلزات گرانبها توسط اروپاییان، جانشین شدن دولتهای واحد و متمرکز به جای فتودالیه، رنسانس و بالاخره اصلاحات مذهبی نحوه تفکر جامعه اروپایی را دگرگون کرد.

فعالیت و تفکر اقتصادی با توجه به معیارها و عوامل مذهبی و اخلاقی جدید موردبررسی واقع شد، علاقمندی به مادیات و گردآوری ثروت هدف فعالیتهای اقتصادی قرار گرفت و طبقه‌ای قدرتمند در این میان متولد شد، که اصطلاحاً آنرا بورژوازی می‌نامند. این طبقه به آنچنان امکاناتی دست یافت که در انگلستان شاه را وادار به حذف جمله «سلطنت موهبتی است الهی» از قانون اساسی نمود و در فرانسه انقلاب سال ۱۷۸۹ را باعث شد و از طریق آن اثبات نمود که حقوق بشر یعنی حقوق مالکیت. بمنظور اشاعه این اندیشه ابزارهای گوناگونی بکار گرفته شد، از آنجمله: انتشار افکار منتسکیو در کتاب روح‌القوانین، چاپ و انتشار ۲۰۰۰۰ مقاله در فواصل سالهای ۱۶۲۰ م تا ۱۶۴۰ م درباره مسایل سیاسی اقتصادی و اجتماعی در انگلستان، چاپ ۱۳۰ روزنامه در پاریس، ایجاد ۶۸۰۰ باشگاه سیاسی و فرهنگی در سال ۱۷۹۹ م. در فرانسه که به بحث پیرامون آزادی، مالکیت، شیوه‌های تولید و سیاستهای مناسب اقتصادی می‌پرداختند.^{۱۹/۲۰}

در دنیای این چنین در سال ۱۲۱۲ هـ ق / ۱۷۹۷ م. در ایران باباخان پسر برادر آغامحمدخان رئیس ایل قاجار با عنوان فتحعلی شاه تاج‌گذاری نموده و به جمع شاهانی پیوست که قدرتشان

بلامنازع بود، به قول کنت دوگوبینو^(۱) «شاه ایران نوعی خداوند روی زمین است که اخم او ولایاتش را بدون استثناء به لرزه درمی آورد.»^{۲۲/۳۵۲} مطلقیت قدرت شاه و وابستگان به او نخستین اثرش بر اقتصاد ایران، صرف نمودن سرمایه‌های داخلی برای تهیه کالاهای مصرفی و تجملی بود و از آن گذشته، بلوکه شدن ثروت کشور بود در صندوقچه‌های خصوصی افراد، که باعث رکود مبادلات در شبکه پولی کشور می‌گردید. که در این زمینه ژوبر^(۲) فرستاده ناپلئون^(۳) به دربار فتحعلی شاه جواهرات و طلای ذخیره شده را ۵۸ میلیون فرانک^{۱۳/۲۰۷} و یا ۹/۲ میلیون لیره^{۲۵/۱۲۳} و دکتر فوریه^(۴) قیمت جواهرات ناصرالدین شاه را در روزهای سلام تا ۱۰۰ میلیون لیره تخمین می‌زنند^{۳۶/۱۱۹} و به پیروی از شاه، اعوان و انصار او نیز مبالغ هنگفتی از سرمایه‌های در حال گردش را بصورت زیورآلات و ... درآورده بودند.

مسابقه برای ثروت‌اندوزی، به حذف طبقه متوسط و به افزایش طبقه فقیر انجامید و منجر به ایجاد نوعی دیوانسالاری فاسد گردید که مردم را به هیچ می‌گرفتند. نمونه بارز آن، زمانی است که علی اصغرخان اتابک اعظم از روسیه ۲۴ کرور قرض کرد. کسی به او گفت هر ایرانی را به یک قران فروختی. او جواب داد: «هیچ مگو اگر روسیه شما را خوب بشناسد می‌فهمد که گران فروخته‌ام، غبن آورده از پولها کسر می‌گذارد.»^{۲۸/۴۰۷} «در چنین نظامی شاه به عنوان رأس نظام، عنصری بود اگر نگوییم بدتر از دیگران، حداقل مانند دیگران، در این باب اظهارنظر میرزا حسین خان سپهسالار صدراعظم روشن‌فکرترین شاه سلسله قاجاریه (ناصرالدین شاه) شنیدنی است. او می‌گوید: «شاه یک کلمه حرف راست نمی‌گوید، با هیچ کس خوب نیست و روی هیچ کس را سرخ نمی‌تواند ببیند و غالب میلش به اشخاص رذل و نانجیب است از آدم معقول بدش می‌آید.»^{۵۱/۱۲۴} و در این میان دیگرانی مانند فتحعلی شاه، محمدشاه، مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه که مجلس شورا را به توپ بست و بسیاری از آزادیخواهان را در باغشاه اعدام نمود، جای خود دارند.

ناصرالدین شاه در دیدار خود از اطریش و ملاحظه پیشرفتهای اروپا در نمایشگاه وین از علت آن همه تحول جو یا شد، جواب شنید، که همه اینها به علت حاکمیت «قانون» است. لذا زمانی که بازگشت، شیخ علی نامی را مأمور نوشتن کتابچه قانون نمود، اما هنوز مرکب آن خشک نشده، کسانی که منافع آنها در حفظ و نگهداری وضع موجود قرار داشت دست بکار شده و به شاه گوشزد

(1) - Kont du go bino

(2) - Juber

(3) - Napelon

(4) - Furiye

نمودند که اگر قانون، اساس کار در کشور قرار گیرد، حکومت که ودیعه الهی است از کف خاندان قاجار بیرون خواهد شد و رفتار شاه محدود می‌شود. ناصرالدین شاه به دنبال این توصیه دستور ضبط آن کتاب را در کتابخانه دولتی داد که تاهمین امروز باقی است. ۴۲/۱۴۷

جامعه ایرانی با وجود مدیرانی اینگونه، محکوم به عقب ماندگی بود و حتی اگر عناصر مثبتی مانند امیرکبیر نیز پیدا می‌شدند و در صدد اصلاح امور برمی‌آمدند، بدست همین مدیران نابود می‌شدند. زیرا حکومت کردن بر مردم نادان و گرسنه کار دشواری نیست. ولی بر مردم دانا حکومت کردن کار بسیار مشکلی است. لذا حکومتگران در این دوره غالباً مروج جهل بودند تا علم.

جیمز فریزر از سیاحان معاصر این دوره در سفرنامه خود می‌نویسد: «درآمد کشور بیهوده به هدر می‌رفت، وضع کشاورزی خراب، بازرگانی آشفته و راهها پر از راهزن بود، امنیت جانی و مالی از میان رفته بود... همه اینها صورت می‌گرفت برای اینکه شرارت و نفس پرستی طایفه بیکاران و تن‌پروران خاندان سلطنتی را ارضاء کند.

کسانی که هزینه‌ترین، و لخرج‌ترین، فاسدترین و مفسدترین اشخاص برای کشورشان‌اند. افرادی که مانند آنها در هیچ سرزمینی و در هیچ عهدی به بار نیامده است.» ۳۷/۱۴۷

درباره شرایط نابهنجار این دوران بدنیست اشاره‌ای نیز به رساله مجدیه بکنیم که نگاه انتقادی به زمانه خود دارد و در زمره کتابهای فراوانی است از زبان و چکیده کلک هوشیاران و روشندان باریک‌نگری که به جای به‌به و چهچه گفتن، نگاهی هوشیارانه و باریک‌بینانه نسبت به اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی کشور خود داشته و شرایط سیاسی کشور را به چشم انتقاد و خردبینی نگریسته و براسلوب مملکت داری و رفتارهای دیوانی و مناسبات اجتماعی ناشی از قدرت حکومت و دولت ایرادهای اساسی گرفته‌اند. آقای دکتر ایرج افشار در مقدمه‌ای که بر قانون قزوینی نوشته است از ۷۳ تألیف و نگارش در این زمینه نام برده است. مانند کتابهای: رفیق و وزیر، رساله آیین ملک‌داری، کتابچه مداخل و مخارج، الحمار یحمل اسفارا،...

فی‌المثل در رساله مجدیه چنین آمده: «هرچه املاک آباد و ملک مردم با بضاعت بود و مداخل آن به مالیات دیوانی مساعدت می‌کرد به رشوه و تعارف، بلاجمع و موقوف‌الحواله شده و مالیات آنها بر املاک اشخاص که از تقدیم پیشکش و تعارف عاجزند تحمیل گردیده و کار به جایی کشیده که حاکم از عهده آن برنمی‌آید... حکومت ایران نه به قانون اسلام شبیه است نه به قاعده ملل و دول دیگر، باید بگویم، حکومتی است مرکب از عادات ترک و فرس و تاتار، مغول و عرب، افغان و روم و ترکمان مخلوط و درهم، یک عالمی است علی‌حده، با هرج و مرج زیاد... در حکومت حالیه ایران

(ناصری) ولایت رادریسته ورعیت رادست بسته به یک مبلغ به عاملین جور مقاطع می دهند. ۲۷/۳۶، ۳۳، ۳۲»
 بدلیل همین اوضاع بود که مردم مناطق اشغالی، به استثنای برخی از سران وابسته به حکومت، روسها را بر قاچارها ترجیح می دادند. ۳۷/۸۹

عوامل اقتصادی

الف: گمرکات:

تعرفه های گمرکی در تمامی دول، ابزاری است حیاتی در دست سیاستمداران در جهت نظم و نسق بخشیدن به اوضاع اقتصادی کشور، که با توجه به اوضاع داخلی و خارجی، کشورها شیوه های مناسب را اختیار می کنند.

ولی در ایران گمرک هر ولایت یا ناحیه ای را به کسی که مبلغ بیشتری پرداخت می کرد یا رشوه کلان تری می داد، به اجاره واگذار می کردند. ۴۱/۵۶۶، در این شیوه موجر سعی می کرد (بدون توجه به مصالح عمومی کشور) پول پرداختی را به همراه مبلغی که به عنوان هدیه یا پیشکش داده، به اضافه حدود ۲۰ درصد سود، دریافت کند. اما پس از عقد قرارداد ترکمانچای (در سال ۱۲۴۴ هـ.ق ۱۸۲۸ م.) اوضاع به اینصورت تغییر یافت که بازرگانان خارجی کالاهای خود را با پرداخت یکبار حقوق گمرکی ۵٪ در سرحد ترخیص نمایند. اما تاجر ایرانی می بایست در بنادر و ورودیهای کشور ۲ تا ۲/۵ درصد عوارض می پرداخت که به ظاهر یکا دوم پرداختی تجار خارجی است. ولی توجه به این نکته ضروری است که تجار ایرانی می بایستی به هر شهری که می رسیدند در دروازه آن عوارض شهری، قوافل و مبلغی به عنوان پیشکش و پول شلاق به نظامیان، به حکام و کارمندان گمرک و حتی نوکران آنها بپردازند. ۲۰/۲۸۳ این شیوه سبب می گردید به خاطر مراکز متعدد گمرکی و راهداری از مبدأ تا مقصد مبلغ عوارض پرداختی بعضاً به ۱۲ درصد قیمت کالا نیز بالغ شود. ۵/۲۳۸ مثلاً در فاصله راه رشت تا بوشهر ۱۴ ایستگاه عوارض گیری وجود داشت. ۴۶/۳۱۰ در گمرک هرات فشار گمرکی به حدی می رسید که به شهادت آرمینیوس وامبری^(۱) سیاح معروف، پیراهن تن تجار را نیز به عنوان عوارض از تن آنها در می آوردند. از بندر بوشهر تا اصفهان تجار ایرانی باید، حداقل ۷/۵٪ عوارض می پرداختند. بدین صورت قیمت تمام شده کالای آنان افزایش یافته و قادر به رقابت با مشابه خارجی در بازار نبودند. ۱۵/۱۱۸

نتیجه این گونه مالیات‌گیری این شد که بسیاری از تجار ایرانی در خارج مملکت مقیم شدند و یا تبدیل شوند به نمایندگان فروش تجارت خانه‌های اروپایی در ایران،^{۱۱/۳۹۴} و اینکار چیزی جز، حمالی محترمانه برای کارخانه‌داران و تاجران بیگانه نبود.^{۳۰/۲۳} این وضعیت موقعی به اوج خود رسید که کنسولگریهای خارجی حدود دخالت خود در امورات ایران را آنقدر گسترش دادند که کشور صورت نیمه مستعمره پیدا کرد.^{۵/۲۸۳}

از جمله عوامل تسریع کننده این دخالتها: ۱- واگذاری امتیاز دو بانک شاهنشاهی و بانک استقراضی به دو دولت انگلیس و روس بود که اولی امتیاز نشر اسکناس را در اختیار داشت و دومی به تمامی بزرگان در مقابل وثیقه وام می‌داد و البته چندان هم در صدد وصول طلب خود بر نمی‌آمد تا بتواند از نفوذ این دولتمردان بدهکار در جهت بسط نفوذ روسیه بهره‌برداری کند. ۲- گرفتن وام توسط دولت ایران از کشورهای انگلیس و روسیه در قبال واگذاری گمرکات، شیلات، تلگراف و معادن به این دولتها بود. بدین ترتیب دولتمردان ایرانی نه تنها نفوذی در کنترل گمرکات نداشتند و نمی‌توانستند مانع ورود کالاهای خارجی شوند بلکه بدلیل معضلات اقتصادی، خود بدان، دامن می‌زدند، که نتیجه‌اش از میان رفتن زمینه‌های سرمایه‌گذاری ورشکست شدن تجار داخلی و نابودی صنایع کوچک خانگی و تولد سیستم اقتصادی دلال، وابسته به خارج بود.^{۵۰/۵۱-۳۳/۵۲۷}

ب: فشارهای مالیاتی، کاهش بهای پول، حوادث طبیعی

در آغاز قرن نوزدهم میلادی جمعیت ایران حدود ۹ میلیون نفر بود که بیش از نیمی از آن کشاورز و در حکم عمده‌ترین نیروهای تولیدی کشور بحساب می‌آمدند.^{۳/۹} از این جمعیت به جز بخش کوچکی خرده مالک بقیه فاقد زمین بودند کشاورزان از پنج عامل: زمین، آب، گاو، بذر و نیروی کار، غالباً تنها نیروی کار را در اختیار داشتند، که این یک پنجم سهم نیز بعضاً دچار آفات مختلف می‌گردید، از جمله مالیات. در زمان فتحعلی شاه کشاورزان باید ۱۰٪ محصول را به عنوان مالیات می‌پرداختند. اما بعداً شاه آنرا دو برابر ساخت که در عمل بدلیل عدم اجرای صحیح قانون و مأموران صالح و سالم، عملاً مالیات اخذ شده به بیست و پنج تا سی درصد محصول می‌رسید.^{۴۱/۵۶۱}

به جز مالیات محصولات کشاورزی، روستاییان ایرانی می‌بایست، مالیات چهارپایان، مالیات سرانه و در صورت مالک زمین بودن مالیات زمین را نیز می‌پرداختند.

از انواع دیگر پرداختهای روستاییان در دوران قاجارها: مالیات سیورسات، هزینه سفرای خارجی، تقیم پیشکشی به زمینداران، هزینه میهمانان، جشن عروسی، تأمین هزینه قشون یا مرکب

ملوکانه، بیگاری برای دولت یا ارباب بود و به این دلیل که زمینهای موقوفه و خالصه دولتی، از پرداخت مالیات معاف بود، جبران آن باری بود اضافی بردوش روستاییان دیگر، ۴۱/۲۷۰،۴۹۱،۵۸۲ و از آنجا که غالباً ممیزی مالیاتها به روز و با توجه به شرایط زمان صورت نمی‌گرفت به نابسامانیهای موجود دامن می‌زد. مثلاً برآورد مالیات نواحی اصفهان و شیراز به چهارصد هزار تومان، مربوط به دورانی است که اصفهان پایتخت بود و با مرکزیت یافتن تهران، اصفهان دیگر آن رونق سابق را نداشت که بتواند این مقدار مالیات را بردارد. ولی حکام و بزرگان که مالیات این نواحی را به اجاره می‌گرفتند^{۱۱/۳۰۳} به این مسائل توجهی نداشتند و فریاد اعتراض مردم را نیز با گذاشتن چند نفری دم توپ خفه می‌کردند. آنها غالباً برای اینکه به اهداف خود برسند اجازه نمی‌دادند که قبل از آمدن مأموران مالیاتی، روستاییان از محصول و دسترنج خود استفاده کنند. این روال در بسیاری موارد به خراب شدن محصول می‌انجامید.^{۲۷/۱۹۶}

از تحولات عمده اقتصادی دیگر که نتیجه‌اش برزندگی مردم ایران بسیار وخیم بود:

اول: تغییر محور تجاری ایران در قرن ۱۹ از شرقی - غربی به شمالی - جنوبی بود.

دوم: جدا شدن افغانستان از ایران و نکته سوم سقوط قیمت نقره در برابر طلا در بازارهای جهانی است و تأثیر آن بر اقتصاد ایران، کاهش شدید بهای پول رایج و بالا رفتن قیمتها بود که سبب می‌گردید قدرت خرید مردم بسرعت پایین آمده، طبقه متوسط جامعه ایرانی را که کاراترین طبقه بود به رده طبقات فقیر تحلیل برده و جامعه شهری را بسوی زمینداری و کشاورزی عقب راند.

از آثار دیگر افزایش قیمتها خارج کردن سکه‌های طلا از جریان داد و ستد و رواج پول قلب با عیار کم و وزن سبک بود که تا پایان دوره قاجار ادامه پیدا کرد.^{۳۲/۵۲۵}

تکمیل‌کننده همه این مشکلات، طبیعت ملون ایران است که قحطیهای پی‌درپی را بدنبال داشت. سوء مدیریت و فقدان جاده‌های ارتباطی مناسب، و موانع فراوان سبب می‌شد که هیچگاه کمکی مؤثر در این شرایط به مردم نشود، بویژه اینکه فقر و بیچارگی و عدم دانش و ابزار کافی غالباً موجب می‌شد بدنبال قحطی، بیماریهای واگیردار مانند وبا و طاعون نیز شیوع پیدا کند؛ و آنان را که از دست قحطی نجات یافته بودند به دیار عدم رهسپار نمایند. جمعیت ایران بدین ترتیب بسرعت کاهش یافت. این امر در غالب سفرنامه‌های نوشته شده در عصر قاجاریه اشاره شده است، و آنرا از موانع توسعه اقتصادی بحساب آورده‌اند.

موانع اجتماعی

الف: فقدان امنیت

با توجه به اینکه بحث امنیت (اقتصادی - اجتماعی - سیاسی) در سراسر تاریخ ایران قابل طرح است، ولی در زمان قاجارها اوضاع به گونه‌ای بود که تأثیر آن بر تمامی نهادهای جامعه ایرانی به دلیل تحولات جهانی از اهمیت فزاینده‌تری برخوردار است. خصوصاً فقدان آن در زمینه اقتصادی تأثیر مستقیمی در عدم رشد سرمایه‌داری تجاری و صنعتی ایران باقی گذاشت. زیرا حکومت قاجارها به دلیل بافت سیاسی آن، معایب نظامهای تمرکزگرا و ملوک‌الطوایفی را یکجا در خود داشت و شرایطی را ایجاد می‌نمود که تنها نوعی بوژروازی وابسته می‌توانست به حیات خود ادامه دهد. قبلاً به برخی از دلایل این امر اشاره شد، ولی از جمله دلایل دیگری که موجب می‌شد اقشار مردم خصوصاً تجار، کسبه و پیشه‌وران عنایتی به سرمایه‌گذاری نداشته باشند عدم امنیت مالی بود. زیرا درآمد و ثروت ناشی از تجارت، همیشه در معرض تهدیدهای عمال حکومت قرار داشت. این تهدید هم در زمان حیات تاجر و هم پس از مرگ او وجود داشت، زیرا رده‌های بالای سیاسی کوچکترین حرمتی برای مال و جان کسی قائل نبودند.^{۳۳/۳۷} این شیوه برخورد از سوی حاکمیت سبب رواج روح بی‌اعتمادی و خزیدن سرمایه‌ها به نهانخانه‌ها گردید. که بعضاً وراثت آنها نیز بدان دسترسی پیدا نمی‌کردند. در این باره ذکر چند نمونه به روشن شدن مطلب کمک می‌کند.

کامران میرزا فرزند ناصرالدین شاه ۲۰ هزار تومان از حاج صراف قرض گرفت اما با وجود دستور صریح شاه هیچوقت آنرا پس نداد،^{۵۱/۱۱۷} همچنین وی در زمانی که در مقام فرمانداری تهران بود، باندی از اشرار تشکیل داده و خانه معتبرین را سرقت می‌نمود.^{۵۱/۱۱۷}

همچنین لو میرزا رضای کرمانی را در زمانی که طلبش را از او خواست متهم به بایبگری کرد و به زندان انداخت.

نمونه دیگر مصادره اموال تجار بزرگ بود که به تکرار اتفاق می‌افتاد، مثلاً مصادره ۸۰۰ هزار تومان اموال حاج امین‌الضرب توسط دولت مظفری، به اتهام سوء استفاده (امین‌الضرب کسی است که اولین کارخانه ابریشم بافی را وارد ایران نمود ولی به دلیل عدم حمایت دولت و رقابت قدرتهای استعماری در سال ۱۹۰۸ م. ورشکست شد). مورد دیگر مصادره اموال تجار مرحوم بود. برای مثال: زمانی که حاجی عبدالطیف از دنیا رفت هنوز جنازه او از خانه خارج نشده، مأمور امین‌السلطان برای گرفتن پول جلوی خانه او حاضر بود و همچنین حاجی ابوالفتح بلورفروش و ده هاتن دیگر که در این مقال جای پرداختن بدان نیست.^{۲/۲۷۶-۲۷۵}

ج: ارزش قائل نبودن برای صاحبان سرمایه:

زمانی تجار اصفهانی عریضه‌ای به ناصرالدین شاه نوشته، خواستار رسیدگی به وضع خود گردیدند، ظل‌السلطان که از طرف شاه مأمور رسیدگی شده بود، اینگونه پاسخ داده «شما مستحق هستید که به دارالحکومه احضار شده به مجازات اعمال ناشایست خود چوب و فلک شوید، در واقع باید سر از تن شما جدا کرد... زیرا شاه مالک الرقاب همه اهالی ایران و امور آن هستند... شما هیچ حقی برای ابراز چنین مخالفتی ندارید... ۴/۱۴۲»

مورد دیگر به چوب و فلک بستن سیدهاشم قندی و اسماعیل خان، تجار قند و شکر به دستور علاءالدوله حاکم تهران بود که به لحاظ منجر شدن به تسریع حرکت مردم ایران و انقلاب مشروطه، حائز اهمیت است.

د: عدم امنیت راهها:

و این مهم سبب گردیده بود... تا سواران ایلاتی و یا سربازان بی‌جیره و مواجب بر راهها و معابر داخلی کشور حکومت کنند و مانع آمد و شد کاروانهای تجارتنی گردند. ۲۳/۵۸»

موارد زیر مثالهایی هستند از میان موارد فراوان

- ۱- قسمتی از راه مشهد، اغلب ماوای ترکمانان غارتگر بود که کمتر کاروانی می‌توانست از چنگ آنان خلاصی یابد. ۵۶/۲۹۸
- ۲- ترکمانان طایفه تکه، که سی و پنج هزار خانه وار بودند و حدود ۱۵ هزار سوار را می‌توانستند تجهیز کنند، کاری جز ربودن و غافلگیر کردن افراد و کاروانیان نداشتند و در صورتی که آنان را به اسیری نمی‌گرفتند یا نمی‌کشتند، باج کلان می‌گرفتند. ۵۶/۳۰۰
- ۳- در جنوب ایران ایلات بختیاری و قشقایی هیچ فرصتی را برای غارت از دست نمی‌دادند و به راهزنی به عنوان یک پیشه نگاه می‌کردند.
- ۴- در شمال شاهسونها به کار غارت کاروانها و مردم روستاها مشغول بودند، مانند مردم میانج، گرمرو... ۳۹/۱۶
- ۵- در شرق آذربایجان ۳۹ قبیله کوچ‌نشین وجود داشت که هنر منحصر به فردشان راهزنی بوده است. ۵۷/۱۷
- ۶- براساس گزارش نمایندگان سیاسی بریتانیا در ایران در فاصله سالهای ۱۳۲۶ ه‍.ق تا ۱۳۳۰

هق. ۱۹۱۱/ تا ۱۹۰۸ م. شرکتهای تجاری و تجار انگلیس ۶۴ بار مورد راهزنی قرار گرفتند که ۴۲ بار آن توسط ایلات صورت گرفته است. ۴۵/۲۱۳، ۲۱۶

۷- در چهل سال نخست سلطنت ناصرالدین شاه ما شاهد ۱۶۹ مورد شورش و قیام مسلحانه ثبت شده هستیم. ۱۸/۳۳، ۳۲

با توجه به مطالب گفته شده باید بپذیریم که: زندگی چادرنشینی قبیله‌ای سبب می‌گردد که شرایط برای انباشت هرگونه سرمایه از جامعه سلب گردد و به قول جلال آل احمد: «طومار تاریخ ایران را همیشه، ایله‌ها درهم نوردیده‌اند نه آله‌ها. ۷/۲۰۴

ب: فقدان قانون فراگیر و ضوابط قضایی مشخص

گرچه در دوران قاجاریه مجموعه‌ای از قوانین وجود داشت، اما غالباً این قوانین یا دارای ضمانت اجرایی نبود یا وسیله اعمال حب و بغض‌ها قرار داشت. ۲۹/۱۱۶

فساد و رشوه‌خواری رواج تمام داشت و افراد نه براساس شایستگی‌ها بلکه بر اثر پیوندهای سببی یا نسبی بر مسند امور اجرایی تکیه می‌زدند.

فقدان بنیادهای محکم قضایی و قانونی سبب ایجاد و گسترش پدیده‌ای به نام «بست» در تاریخ ایران شد. اگرچه این پدیده در طول تاریخ بشر به صورت یک نیاز اجتماعی و به صورت طبیعی از دل جامعه روئیده بود ولی در این زمان تبدیل شد به ابزار دخالت بیگانگان در امور داخلی کشور و این موقعی بود که سفارتخانه‌های خارجی و تلگراف خانه‌های وابسته به انگلیسی‌ها تیز بر اماکن مقدس، اصطبلها و زرادخانه‌های سلطنتی علاوه شد و تبدیل گردیدند به پناهگاه کسانی که بعضاً خائن به مردم و دولت بودند، و مانع از اجرای احکام حکومتی شده. روز به روز به آشوبهای موجود در سیستم اجرایی کشور می‌افزودند.

سفرهای ناصرالدین شاه به اروپا با وجود تمامی زبانه‌های اقتصادی که برای مردم ایران در برداشت، سبب آشنایی او با دنیای جدید و پی بردن به میزان عقب‌ماندگی کشورش بود. ۶/۵۵۲

در ورشو در پاسخ این سؤال که چگونه به این پیشرفت دست یافته‌اند؟

جواب شنید: «ترقیات و آبادیها را لازمه، امنیت ملک است و در سایه قانون وجود ظهور این چیزها لازم و طبیعی است» ۶/۵۵۲ لذا در بازگشت به ایران در گفتاری که متن آن عیناً آرایه می‌شود، گفت: «اطمینان عامه حاصل نمی‌شود مگر به امنیت، امنیت فرع قانون است و قانون لازمه‌اش اجرا... چون چنین شود، قلوب عامه از هر جهت اطمینان حاصل خواهد کرد و در آن وقت طبیعت

مخلوق و طبیعت آب و خاک آنچه در خود مکنون و مخفی دارند، را روز بروز در معرض ظهور و بروز خواهد رسانید. آنها جاری می‌شود، زمینها آباد می‌شود، صناعات ترقی می‌کند و معادن استخراج می‌شود و پولهای مردم از زیر خاک بیرون می‌آید...»^{۵۸/۸}

اما از این همه گفتار نغز چیزی عاید مردم نشد چرا که به قول دکتر پولاک^(۱) از معاصرین او: «همه این فرمانها و نظریاتی که ظاهراً زیبا هستند چیزی جز ابزاری برای فریب و خدعه نبود.»^{۱۱/۱۹۵} زیرا، استبداد فی نفسه سبب مسخ بینش و دانش جامعه و پیدایش احساس عدم مسئولیت و رواج بدبینی نسبت به موجودیت جامعه می‌گردد، در نظام استبدادی افراد، به این دلیل که حاکمیت تاب تحمل عقاید دیگران را ندارد تبدیل به ابزارهای لاشعوری می‌گردند که اشتیاق و ایمان در وجودشان می‌میرد و اندیشمندانشان منزوی می‌شوند و فرومایگان عزیز می‌گردند.^{۲۴/۹۱،۹۴} بدین ترتیب است که حاکمیت از کانون نامتناهی اندیشه موجود در بطن جامعه محروم می‌شود و اشتباهاتش تداوم می‌یابد. از عوامل مهم دیگری که سبب اغتشاش در امور قضایی کشور شد کاپیتولاسیون^(۲) بود که عبارت از حقی است که به اتباع خارجی در کشوری می‌دهند، مبنی بر اینکه در محکمه‌های آن کشور محاکمه نشوند، بلکه در محاکم مربوط به دولت خود محاکمه گردند.

منشاء رژیم کاپیتولاسیون را در ایران باید معاهده ترکمانچای سال ۱۲۴۳ ه.ق. ۱۸۲۸ م. دانست که این معاهده قریب یک قرن، روش سیاست خارجی ایران را با روسها تعیین کرد و بعداً نیز هر کشوری خارجی با ایران معاهده‌ای منعقد کرده پایه آنرا معاهده ترکمانچای قرار دارد و تا سال ۱۹۲۱ م ادامه داشت.^{۵۵/۲۷۸}

دلیل این تحمیل را پیروزی روسها بر ایران باید دانست. اما در مجموع سازمان قضایی ایران در این دوران فاقد کارایی، فاقد مأموران اجرایی سالم، فاقد کارمندان متخصص کافی در دادگاهها، فاقد بودجه کافی بود که تأثیر مستقیم این امر رواج نا امنی در کشور بود.^{۳۴/۱۶۴}

در این بخش سعی شد عمده‌ترین موانع تاریخی توسعه با توجه به علل داخلی و درونی جامعه ایران مورد بحث قرار بگیرد. در ادامه، در فصل دوم به موانع خارجی خواهیم پرداخت.

بخش دوم موانع خارجی

اروپا در قرن ۱۵ و ۱۶ میلادی بعد از جنگ‌های صلیبی و اکتشافات جغرافیایی، اساس سیاست‌های اقتصادی خود را بر کسب و ذخیره هر چه بیشتر طلا و نقره از طریق صادرات کالا به عنوان ثروت و عامل قدرت قرارداد، که این رویه تفکر را «سوداگرانه» می‌گویند. زیرا که از یکسو باعث ایجاد کمپانی‌های تجارته بود و از دیگر سو علت رشد آنان شد و سبب گردید که موازنه تجارت خارجی اروپا با کشورهای مشرق زمین که تا آن زمان به سود شرق بود به نفع اروپا تغییر پیدا کند^{۱۰/۳۸} و پیامد آن در انگلستان انقلاب صنعتی بود، یعنی تبدیل بورژوازی تجاری به بورژوازی صنعتی، این امر صورت نگرفت مگر در سایه حمایت دولت از صنایع به وسیله وضع تعرفه‌های گمرکی خاص، مانند قانون ۹۸۹ هـ / ۱۵۸۱ م. که ورود هرگونه کالایی که مواد اولیه آن در انگلستان موجود بود را ممنوع ساخت و در سال ۱۱۱۲ هـ ق / ۱۷۰۰ م. واردات پارچه‌های نخی خارجی را ممنوع ساخت (به اختصار ۳۷۲ - ۱۰/۳۱) این کار سبب گردید رونق تجارته شهری مانند لیورپول به ایجاد مرکز صنعتی همچون منچستر بیانجامد.

اما در ایران همانگونه که در بخش اول اشاره شد، صنایع از شمال و جنوب در محاصره کالاهای خارجی قرار گرفت که این کالاها سه ویژگی عمده داشتند: الف: سفارتخانه‌های آنان حامیشان بودند. ب: در رنگ متنوع بودند. ج: بسیار ارزان وارد بازار می‌شدند.

با این شرایط مردمی که در طی قرون، بدون سود جستن از کالاهای وارداتی تن‌پوش خود را تهیه می‌نمودند عادت کردند (خصوصاً اشراف) لباسشان از پارچه‌های نخی و پنبه‌ای بافت کارخانه‌های مسکو، منچستر و یا بمبئی باشد، و روند کلی آن بدین صورت بود که اواسط قرن ۱۳، هـ ق / ۱۸ میلادی تنها در هر سال یک کشتی که حاصل ۶۰ تا ۱۰۰ عدل پارچه نخی بود وارد بوشهر می‌شد اما در پایان همین قرن این عدد به ۶۰۰ رسید که هر روز سیر صعودی طی می‌کرد. با این شرایط در داخل

کشور تولید پارچه چندان مقرون به صرفه نبود و کار به صدور مواد خام برای مثبت نمودن موازنه تجاری کشید.

آمار ذیل موید این نظرات می باشد:

صادرات ایران	واردات ایران
ابریشم خام ۳۰۰۰۰۰ تومان پارچه‌های ابریشمی و پشمی انگلیسی ۱۸۰۰۰۰۰ تومان.	
ابریشم پيله ۵۰۰۰۰ " " " " " اتریشی ۱۰۰۰۰۰ "	
جمع: ۳۵۰۰۰۰ " " " " " فرانسوی ۵۰۰۰۰ "	
	روسی ۵۰۰۰۰ "
(به اختصار) ۴۱ / ۶۵۷، ۶۶۸، ۶۶۷، ۶۶۵	

جمع: ۲۰۰۰۰۰۰ تومان

به دنبال آن شاهدیم که امپریالیسم اقتصادی غرب، در جهت منافع خود به تخصیصی کردن تولیدات کشاورزی و مواد خام پرداخت در این شرایط کشور ایران زمینه‌های تولید ابریشم خام را که تأمین‌کننده زندگی کشاورزان و رونق‌بخش صنعت و تجارت خارجی بود را به نفع تولیداتی مانند تریاک و پنبه در جهت سیاست‌های دول امپریالیستی از دست داد.

بدین ترتیب ابریشم خام که تا سال ۱۲۶۷ هـ ق / ۱۸۵۰ م دومین محصول پراهمیت ایران در تولید ناخالص داخلی کشور (بعد از گندم) بود و در اقلام صادراتی ۳۱ تا ۳۸ درصد کل صادرات را شامل می‌شد در سال ۱۲۸۱ هـ ق / ۱۸۶۴ م به اوج خود رسید و در این سال استان گیلان ۲ میلیون پوند ابریشم به ارزش ۱/۵ میلیون لیره استرلینگ تولید کرد. اما (به دلیل نوعی آفت کرم که عده‌ای معتقدند، دست پنهان سوداگران بین‌المللی در آن دخالت داشته است) در سال ۱۲۹۴ هـ ق / ۱۸۷۷ م به ۸۹۶۷۰ لیره استرلینگ بالغ شد و بعدها نیز به دلیل رقابت ژاپن و بعضی دیگر از کشورهای آسیای جنوب شرقی قیمت ابریشم ایران در بازار جهانی تا ۴۰۰ درصد کاهش یافت. به نحوی که ارزش ابریشم تولید شده در ایران در سال ۱۳۲۱ هـ ق / ۱۹۰۲ م به ۲۵۵۶۴ لیره استرلینگ بالغ شد که فقط یک ششم ارزش تولید سال ۱۲۸۱ هـ ق / ۱۸۶۴ بود. در همین دوره زمانی که تولید ابریشم رو به نقصان گذارد. در جنوب ایران (اصفهان - یزد - کاشان) مزارع خشخاش به سرعت رو به ازدیاد گذارد و مصرف تریاک که تا اواسط قرن نوزدهم تنها به منظور مصرف داخلی و به میزان اندک تولید می‌شد جنبه تجارت خارجی پیدا نمود، که دلیل آن اراده تجار انگلیسی بود در تولید تریاک به منظور صدور آن به بازار چین که بنا بر گزارش کنسول انگلستان در بوشهر در سالهای ۸۵-۱۲۸۴ هـ ق

۶۸-۱۸۶۷ م تقریباً تمامی اراضی موجود و مناسب در اصفهان و یزد و دیگر جاها به کشت خشکشاخ اختصاص یافت و کشت غلات و سایر محصولات تا حدی به فراموشی سپرده شد، این عامل با خشکسالی و دیگر عوامل منجر به قحطی سال ۸۹-۱۲۸۸ هـ.ق، ۲۰-۱۸۷۱ گردید. ^{۳۳/۳۶۷}

خصوصاً در یزد بنا بر گزارش لردکرزن^(۱) هر ساله ۲۰۰۰ صندوق محصول تریاک صادر می‌شد و تجار ایرانی که گفتیم در عمل عامل اراده کمپانی‌های خارجی گردیده بودند به این تجارت نامیمون کمک می‌نمودند. ^{۴۱/۲۹۵}

در مورد شهر کاشان نیز وضع بهتر نبود، بنا بر اظهارات صاحب رساله خطی چراغانی ورود کالاهای خارجی «چنان کسادی و بی‌رونقی دچار این منطقه نمود که فی‌المثل بیدگل از توابع کاشان را کم‌کم ویران و خلقتش را کم نمود ... و تا چندی قبل تعداد ۳۰۰ دستگاه نساجی در هر مرحله دایر بود. الحال قریب به ۵۰ دستگاه بیشتر دیده نمی‌شود.» ^{۳۱/۹}

واردات انگلیسی باعث شد که کارخانه‌هایی که در آنها دو سه هزار کارگر به کار مشغول بودند به صورتی درآمد که: «انسان از تماشای قسمت‌های عمده آنها که بایر و بیکار افتاده سخت مغموم می‌شد و باعث عبرت است که شهری به زمان صفویه اولین شهر صنعتی باشد و امروز به چنین وضعی درآید.» (به اختصار) ۸۲، ۱۲۵، ۱۲۶، ۴۱۹ / ۳۵

صنایع کاشان در چنین شرایطی که به قول معروف سنگ (گمرکات) را بسته و سگ را رها کرده بودند به وضعی اسفبار درآمد. وصاف بیدگلی نوشته است: «بیدگل در ازمنه سابقه خلقتش به چهل هزار نفر می‌رسد و مشهور است که یک هزار و هفتصد دستگاه شعربافی از اقمشه نفیس و پارچه‌های لطیفه از تافته‌های گل‌دار در بیدگل بافته می‌شود.» ^{۳۱/۲۸۸، ۲۸۹} مشکلات اقتصادی و ورود وحشتناک کالاهای خارجی سبب شد این قطب صنعتی ویران و جمعیت آن در جستجوی کار به دیگر نقاط مهاجرت کنند و به روایت سهیل کاشانی اصناف متعدد کاشان ... همه شکسته و متفرق شدند. ^{۳۱/۲۸۸} و خود شهر کاشان نیز که در زمان فتحعلی شاه به تنهایی ۱۴ هزار کارخانه شعربافی داشت در سال ۱۳۱۷ هـ.ق / ۱۸۹۹ م که ملک‌المؤرخین سپهر از آنجا دیدن کرد تنها ۸ کارگاه از آن باقی مانده بود. ^{۲۶}

در رساله‌ای، میرزا حسین خان پسر ابراهیم خان، تحویلدار اصفهان سال ۱۳۴۹ هـ.ق / ۱۹۳۰ م. به رواج پیشه‌ها و توقف توسعه صنعتی ایران در مقایسه با غرب اشاره می‌کند و سه عامل را علت رکود

می‌داند:

- ۱- تغییر در شیوه‌ها و روش‌ها، منجر به این شد که مشتریان روش‌های خارجی را به شیوه‌های داخلی ترجیح دهند.
 - ۲- رقابت کالاهای وارداتی ارزان قیمت خارجی با کالاهای ساخت داخل که سبب بیکاری پیشه‌وران داخلی گردید.
 - ۳- وجود بازار رو به گسترش تهران، که باعث مهاجرت بعضی از پیشه‌وران شهرها به پایتخت، جهت جذب در بازار کار تهران شده بودند. ۱۰۱-۱۴/۱۰۰
- بدین ترتیب با ادغام ایران در نظام جهانی، اکثریت صنعتگران ایران، یا بازار محصولات خود را به میزان زیادی از دست دادند و برای کار راهی روسیه گردیدند و یا اینکه به افراد حاشیه‌نشین شهری مبدل شدند.

حرف آخر

«اجنبی حرف بزن بگو چه باید بکنم که ایرانیان را هشیار نمایم؟» عباس میرزا سال ۱۸۰۶ م. / ۱۱۱۸ ه.ق، ایران دوران قاجارها به دلیل بافت ایلی حکومت فاقد سازمان لازم برای ایجاد تحرک در جامعه بود به ویژه اینکه ایران به صحنه دایمی برخوردهای ایلاتی تبدیل شده بود که یا برای دست‌یابی به اهرم‌های سیاسی تلاش می‌نمودند و یا در فکر غارت و چاپیدن مراکز اقتصادی بودند. شهرها نیز هیچگاه نتوانستند به جایگاهی که شهر در اروپا داشت دست یابند و عناصر اقتصادی بویژه بازاریان و یا صنعتگران همیشه تحت نفوذ و اراده دیوان‌سالاری که آفت هرگونه نبوغ و یا حرف و کار تازه به شمار می‌رفتند قرار داشتند تبدیل به بورژوازی قلابی و بی‌ریشه‌ای شدند که با نمونه اروپایی آن از زمین تا آسمان فرق داشت.

در بعضی اوقات کسانی به فکر انتقال علوم و فنون از خارج به ایران افتادند ولی نشناختن غرب و فقدان فرهنگ مناسب نه تنها مانع از موفقیت آنان گردید بلکه بندی تازه شد بر پای خلق خدا. به گفته یکی از نویسندگان معاصر: ... حرف در این است که تا وقتی که ماهیت و اساس و فلسفه تمدن غرب را در نیافته‌ایم و تنها به صورت و به ظاهر، ادای غرب را در می‌آوریم. بنا مصرف کردن ماشین‌هایش درست همچون آن خریم که در پوست شیر رفت، دیدیم که چه به روزگارش

از فرنگ برگشته‌ها نیز غالباً غرب را نشناختند و ایران را نیز فراموش کردند و به قول مجدالملک سینکی، شتر مرغ‌های ایرانی که از پطرزبورگ و پاریس و سایر بلاد و دولت ایران، مبلغ‌ها در تربیت ایشان متضرر شد دو چیز آموخته‌اند: یکی استخفاف ملت و دیگری تخطئه دولت. در بدو ورود به مرتبه‌ای تزکیه و تقدیس دارند که همه مردم حتی پادشاه به شبهه می‌افتد که آب و هوای بلاد خارجه با لذات مریبی است و قلب ماهیت می‌کند ... و همین که مصدر کاری شدند به اطمینان کامل که قبح اعمالشان تا چندی به برکت سیاحت قطعه اروپا پوشیده است و به این زودی‌ها کسی در صدد کشف بی حقیقتی ایشان نیست، بالادست همه بی تربیتها برمی‌خیزند و در پایمال کردن حقوق مردم و ترویج فنون بی‌دیانتی و ترک غیرت و حیثیت و اختراعات امور ضاره ... چندان مبالغه دارند که پادشاه از مأموریت ایشان پشیمان می‌شود. ۲۷/۳۵

و بدین ترتیب فرستادن دانشجویان به خارج برای ایران طبقه بوروکرات تازه‌ای را به ارمغان آورده و در نهایت همه این موارد یعنی استبداد سیاسی و جهالت اطرافیان حاکمیت، سبب گردید که ایران تبدیل شود به مصرف‌کننده فکر و کالای خارجی و از توسعه راستین بازمانده به توسعه در امر وابستگی پرداخت.

ناگفته نباید گذاشت که در همان زمان نیز گروه‌هایی از ایرانیان و روشنفکران چه در داخل و چه در خارج از کشور، روحانیون و بعضی از تجار دلسوز نسبت به این تحولات بی تفاوت نبودند و خیزشهایی قابل تمجید ولی ناکامی را (به دلایل ذکر شده به ویژه حاکمیت ناصالح سیاسی) در جهت احیاء و رشد اندیشه و صنایع انجام دادند. از جمله می‌توان به شرکت اسلامیة و ... اشاره کرد (که پرداختن بدان خود موضوع تحقیق جداگانه‌ای است). در کل این کسان معتقد بودند، تمدن مخصوص نژادی خاص نیست و هر جامعه‌ای که بتواند از نیروهای انسانی موجود خود، به نحوی عقلانی استفاده کند، می‌تواند شاهد پیروزی در تمامی زمینه‌ها باشد. اینان اعتقاد داشتند که ما ایرانیان اگر به قوانین اسلام که دانش‌آموزی، تعلیم و تعلم و کار پایان‌ناپذیر را فرض می‌داند، عمل می‌کردیم، می‌توانستیم اوراق تاریخ وابستگی خود را ورق زده و تاریخ کشورمان را به گونه‌ای دیگر بنویسیم.

منابع

کد کتاب

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان: *صدرالتواریخ* به اهتمام محمد مشیری، انتشارات وحید، تهران، ۱۳۴۹
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان: *روزنامه خاطرات* به کوشش ایرج افشار، تهران ۱۳۵۰
- ایوانف، م.س: *تاریخ نوین ایران*، ترجمه حسن قائم نیا، تهران ۱۳۶۵
- اشرف، احمد: *موانع رشد سرمایه داری در ایران*، چاپ اول، انتشارات زمینه، تهران، ۱۳۵۹
- اورسل، ارنست: *سفرنامه*، علی اصغر سعیدی، انتشارات زوار، تهران
- امین الدوله، میرزا علی خان: *خاطرات سیاسی* به کوشش حافظ فرمانفرمائیان، انتشارات شرکت سهامی کتابهای، تهران
- آل احمد، جلال: *غریبزدگی*، چاپ اول، انتشارات رواق، تهران، ۱۳۴۱
- آزبری، ج.آ: *میراث ایران (سیزده تن از خاورشناسان)*، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۶
- بامداد، مهدی: *بیوگرافی رجال ایران*، ج ۴، انتشارات زوار، تهران، ج ۲، ۱۳۴۷
- بدن، لویی: *تاریخ عقاید اقتصادی*، ترجمه هوشنگ نهاوندی، انتشارات مروارید، تهران، ۲۵۳۶
- پولاک، یاکوب ادوارد: *ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهانگیری، چاپ اول، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۶۱
- پوپ، متن کنفرانس، ترجمه میرزا عیسی خان صدیق، مطبعه فارس، تهران
- پیرآمده، ژوبر: *مسافرت در ارمنستان و ایران*، ترجمه ع. اعتمادی مقدم تهران، ۱۹۶۷.
- تحویلدار اصفهانی، میرزا حسین خان: *جغرافیای اصفهان*، به کوشش منوچهر ستوده، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۲.
- جناب، سیدعلی: *الاصفهان*، مطبعه فرهنگ تهران.
- جمالزاده، محمدعلی: *گنج شنایگان*، انتشارات کاوه، ۱۳۳۵
- چریکف، سیاحتنامه، آبکار، انتشارات کتب جیبی، تهران ۱۳۵۸.
- خودزکو، الکساندر: *سرزمین گیلان*، ترجمه سیروس سهامی، انتشارات پیام تهران.

- دورانت، ویل و آریل : عصر ناپلئون، اسماعیل دولتشاهی، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵
- دیولافوا، مادام : سفرنامه شوش تا کلبه، ترجمه فره وشی، چاپ دوم، کتابفروشی خیام، تهران، ۱۳۶۱
- دالمانی، هنری رنه : سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه فره وشی، چاپ گیلان.
- دوگوبینو، کنت : سه سال در ایران، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، چاپ سکه، تهران، ۱۳۶۷
- روشنی، قدرت‌اله : سه سفرنامه (روزنامه مسافرت هرات، رو، خراسان) انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۴۷
- رادمش، عزت‌اله : انقلاب و ابتدال، موسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۵۹.
- رایت، دنیس : انگلیسیها در ایران، ترجمه حسین صدری، انتشارات دنیا، تهران ۱۳۵۷.
- سپهر، محمدتقی، ناسخ التواریخ : ۲ ج، تهران، اسلامی، ۱۳۵۳
- سینکی، مجدالملک : رساله مجدیبه، به همت دکتر علی امینی، فضل‌اله گرگانی، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۵۸.
- شهان، آگهی‌نامه، به نقل از باستانی پاریزی، کتاب سیاست و اقتصاد عصر صفوی
- شیل، لیدی : خاطرات، ترجمه حسین ابوترابیان، چاپ اول، انتشارات نشر نو، تهران ۱۳۶۲.
- صفایی، ابراهیم، اسناد نویافته، چاپخانه رشدیبه، تهران
- ضرابی، عبدالرحیم، کلاتر، تاریخ کاشان به کوشش ایرج افشار، چاپ سوم، انتشارات امیرکبیر، ۲۵۳۶.
- عبداله یف، فتح‌اله : گوشه‌ای از تاریخ ایران، ترجمه غلامحسین متین، انتشارات ستاره، تهران ۱۳۳۶.
- عیسوی، چارلز : تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، چاپ اول، نشر گسترده تهران ۱۳۶۲.
- فلور ویلم : جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ابوالقاسم سری، ج ۲، چاپ اول، انتشارات توس، تهران، ج ۱، ۱۳۶۶.
- فلاندن، اوژن : سفرنامه، ترجمه نور صادقی، تهران، انتشارات نقش جهان
- فوریه : سه سال در دربار ایران، ترجمه، عباس اقبال، به کوشش همایون شهیدی، علمی و

فرهنگی تهران، ۱۳۶۲.

فریزر، جیمزبیلی: سفرنامه، ترجمه منوچهر امیری، انتشارات توس، تهران، ج ۱، ۱۳۶۴.

فشاهی، محمدرضا: تکوین سرمایه‌داری در ایران.

فرمانفرما، عبدالحسین میرزا: سیاق معیشت در عهد قاجار، به کوشش منصوره اتحادیه، نشر تاریخ، تهران، ۱۳۶۲.

فسائی، حسین: فارسنامه ناصری، چاپ سنگی، گفتار دوم.

کرزن، جرج: ایران و مسئله ایران، ترجمه علی جواهرکلام، چاپ سوم انتشارات سینا، تهران

ج ۲.

کرمانی، ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، ج ۴،

انتشارات آگاه، تهران، ج ۲، ۱۳۶۲.

کاتوزیان، محمد: اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی، انتشارات پایپروس،

تهران.

کاتف، فدت آنافاس یویچ: سفرنامه، ترجمه محمد صادق همایونفرد، ویرایش عبدالعلی

سیاوشی، شرکت چاپ، تهران، ۲۵۳۶.

ک. آبی: میرزا حسین خان اصفهانی به دستور علیقلی خان سردار اسعد ترجمه گردیده است،

تهران، ج ۲، ۱۳۳۰.

گراتوسکی و دیگران: تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ترجمه کریم کشاورز چاپ

مودتی، تهران، ۱۳۴۵.

لیتن، ویلهم: ایران از نفوذ مسالمت‌آمیز تا تحت‌الحمایگی، ترجمه مریم میراحمدی،

انتشارات معین، ۱۳۶۷.

لمبتون، ا.ک.س: مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، چاپ سوم، انتشارات علمی،

فرهنگی، تهران، ۱۳۶۷.

ملکم، سرجان: تاریخ ایران، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، به کوشش مرتضی سیفی، چاپ

اول، انتشارات فرهنگسرا، تهران، ۱۳۶۲.

مستوفی، عبدالله: شرح زندگانی من، تهران، ۱۳۴۱.

ملک آراء، عباس میرزا: شرح حال عباس میرزا به کوشش عبدالحسین نوایی، انتشارات

بابک، تهران، ۱۳۶۱.

مارکام، کلمنت: تاریخ ایران در دوره قاجارها، ترجمه میرزا رحیم فرزانه چاپ اول، نشر فرهنگ ایران، تهران ۱۳۶۴.

مستوفی، عبدالله: خاطرات من، انتشارات زوار، تهران ۱۳۴۳.
منتسکیو، بارون دو: روح القوانین، ترجمه علی اکبر مهتدی، رساله دوم «درباره اصل عدم تساوی بشر»

معین، محمد: فرهنگ فارسی، ج ۳، انتشارات امیرکبیر.
وامبری، آرسینیوس، سیاحت درویش دروغین در خانات آسیای میانه.
وتریاس، پاولویچ، انقلاب مشروطیت.
هدایت، مهدیقلی خان: خاطرات و خطرات، چاپ دوم، کتابفروشی زوار، تهران ۱۳۴۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انسانی